

ماری استوارت

Marie Stuart

(پیت ملحد برای دوسرزمین)

نوشته:

اشتفان تسوایگ

Stefan Zweig

ترجمه:

دکتر ضیاءالدین ضیائی

سرشناسه	تسوايگ، اشتفان، ۱۸۸۱ - ۱۹۴۲ م.
عنوان و نام پدیدآور	Zweig, Stefan ماری استوارت: یک ملکه برای دو سرزمین = Maria Stuart / نوشته اشتفان زوايگ؛ ترجمه ضياء الدين ضيائي؛ ويراستار مسعود حيدري.
مشخصات نشر	زنجان: هلال نقره‌ای، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهري	۴۹۶ ص. ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
شابک	978-600-99799-3-6
حیثیت رست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: Maria Stuart, 2011.
یادداشت	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
موضوع	ماری، ملکه اسکاتلند، ۱۵۴۲ - ۱۵۸۷ م.
موضوع	Mary, Queen of Scots
شناسه افزوده	ثانی، ضياء الدين، ۱۳۲۷ - مترجم
رده بندی کنگره	ب۶، ۱' ۱۰/۱/۵۷۷ DV
رده بندی دیویی	۹۴۱/۱۰۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۵۰۵۳۸ ۶



انتشارات هلال نقره‌ای

ماری استوارت (یکه ملکه برای دو سرزمین)

نویسنده: اشتفان تسوايگ

مترجم: دکتر ضياء الدين ضيائي

ویراستار: مسعود حيدري

نوبت چاپ: اول-۹۶

چاپ: باران

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۷۹۹-۳-۶

مراکز پخش:

زنجان، کوی شهریار، سه‌نوا غربی، ۱۶۶۱

قم، بلوار امام خمینی (ره)، میدان شهید زین‌الدین، خیابان شهید قندی، پلاک ۴۷

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، پلاک ۱۱۲

۰۹۱۹۵۸۷۳۴۷۵۰ - ۰۹۱۹۸۵۳۷۶۸۷ - ۰۹۱۹۵۸۷۳۴۷۶ - ۰۲۵ ۳۶۶۷۲۵۰۶

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۵.....	پیشگفتار مؤلف
۱۰.....	فصل اول : ملکه‌ای در گهواره
۲۷.....	فصل دوم : دوران از جوانی در فرانسه
۴۳.....	فصل سوم : ملکه، بیگانه، دوباره ملکه
۶۲.....	فصل چهارم : بازگشت به اسکاتلند
۸۴.....	فصل پنجم : سنگ می‌غلطد
۱۰۰.....	فصل ششم : بازار بزرگ ازدواج سیاسی
۱۲۶.....	فصل هفتم : ازدواج دوم
۱۴۷.....	فصل هشتم : جنگ سرنوشت سار هالارد
۱۶۹.....	فصل نهم : خیانت به خیانتکاران
۱۸۹.....	فصل دهم : درگیری وحشتناک
۲۱۰.....	فصل یازدهم : تراژدی یک اشتیاق
۲۳۹.....	فصل دوازدهم : راه به‌سوی مرگ
۲۵۹.....	فصل سیزدهم : <i>Quos deus perdere vult</i>
۲۸۳.....	فصل چهاردهم : راه بدون راه نجات
۳۱۴.....	فصل پانزدهم : برکناری
۳۳۱.....	فصل شانزدهم : وداع با آزادی
۳۴۹.....	فصل هفدهم : توری تنیده می‌شود
۳۶۴.....	فصل هجدهم : دام تنگتر می‌شود
۳۸۰.....	فصل نوزدهم : سال‌های در سایه

۳۹۹	فصل بیستم: آخرین دور.....
۴۱۴	فصل بیست و یکم: ماجرا باید به پایان برسد.....
۴۴۳	فصل بیست و دوم: الیزابت در مقابل الیزابت.....
۴۷۱	فصل بیست و سوم: <i>En ma fin est mon commencement</i>
۴۸۶	پیامد شوم - ۱۵۸۷ تا ۱۶۰۳.....

پیشگفتار مؤلف

هر پیز شفاف، ماهیت اصلی خود را نشان می‌دهد. ولی هر رازی باوجود همه خلاقیتی که در روشن نهفته شده، پنهان می‌ماند. به همین سبب باید به چهره‌ها و حوادث تاریخ که نقاب راز و بی‌خبری چهره‌ی آنان را پوشانده، همواره اهمیت و صاعقه قائل شد و درباره‌ی آن‌ها نوشت و بازهم نوشت. یکی از نمونه‌های بارز این فعل اسرار کشف نشده‌ی تاریخی، زندگی سراسر غم‌انگیز ماری استوارت است. به‌ندرت زنی در تاریخ انگیزه‌ی نگارش این همه کتاب، رمان، زندگینامه و سبب به وجود آمدن صحنه‌های درام و بحث‌های گوناگون شده است. سه صد سال است که این زن توجه شاعران و فکر و قلم نویسندگان را به خود مشغول کرده است. او با نیروی درونی و شگفت‌آورش ما را به ارائه‌ی چهره‌ای - باز هم جدیدتر - از او به جهان وادار می‌کند، چون بدین ترتیب با ماهیت و هوای هر چیز پیچیده و اسرارآمیز پس از شفافیت و روشنگری و از تاریکی و روستایی رسیدن آن بیشتر آشنا می‌شویم.

گرچه حیات ماری استوارت اسرارآمیز و پر از تضاد است - این نکته مرتب مورد تأکید قرار گرفته است - با این وصف چهره‌ی هیچ زنی در تاریخ تا این اندازه تحریف نشده است. او را قاتل و هم‌زمان شهید می‌دانند. او را

توطئه‌گر احمق و بلافاصله قدیس آسمانی می‌نامند، ولی شگفتا که تصویر او نه به خاطر کمبود و نقص اسناد به‌جامانده، بلکه برعکس دقیقاً به علت وفور اسناد و مدارک مربوطه این چنین گوناگون ترسیم شده است. تعداد اسناد و مدارک، صورت جلسه‌ها، پرونده‌ها، نامه‌ها و گزارش‌های نگهداری شده به هزاران هزار برگ می‌رسد. از سیصد سال پیش تاکنون افراد بسیاری در صدد راهمده‌اند تا گناهکار یا بی‌گناه بودن او را مورد بررسی قرار دهند، ولی هرچقدر با دقت بیشتر به اسناد می‌نگریم، بیشتر به صداقت و صحت شهادت تاریخی درباره‌ی این زن تردید می‌کنیم و این واقعیتی بسیار دردناک است، زیرا هر قدر هم سندی به صورت دستخط، اصلی و قدیمی و از نظر بایگانی تأیید شده باشد، با وجود این نمی‌توان به قابل اطمینان بودن آن استناد کرد و برداشت یک طرفه از مدارک قضاوت کلی قرارداد. در کمتر موردی چون ماجرای ماری استوارت به این نتیجه می‌رسیم که چگونه یک رویداد در ساعت وقوع از سوی ناصران عصر این چنین تحریف و با برداشت‌های گوناگون گزارش و در دل تاریخ ثبت شده است. در مقابل هر (آری) تأییدشده، یک (نه) تأیید شده و در برابر هر (آری) یک (براهت) قرار گرفته است. اسناد جعلی با مدارک صحیح و واقعیات با پندارها چنان آمیخته شده‌اند که هر انسانی می‌تواند هر کدام از آنرا ذات‌ها و تعابیر را صحیح و معتبر پندارد. هرکس که بخواهد گناهکار بودن ماری استوارت را در قتل شوهرش ثابت کند، می‌تواند مقدار زیادی اسناد و مدارک در این مورد ارائه کند و برعکس، هرکس بخواهد او را بی‌خبر و مبرا از این قتل نشان دهد، قادر است اسناد و مدارک کافی دال بر بی‌گناهی او نشان دهد. برای کشیدن تصویر شخصیت وی رنگ‌ها از قبل آمیخته شده‌اند. حال اگر در کلاف سردرگم این گزارش‌ها جبهه‌گیری سیاسی یا وطن‌پرستی و ملی‌گرایی نیز دخالت داشته باشند، در این صورت تنوع رنگ‌های این تصویر به مراتب

شگفت‌انگیزتر خواهد بود. علاوه بر آن طبیعت هر انسانی به محض این‌که
 بین دو انسان، دو فکر، دو جهان‌بینی انتزاعی و بر سر بودن و یا نبودن قرار
 می‌گیرد، اجازه موضع‌گیری و دادن حق به یک‌طرف و گناهکار دانستن
 طرف دیگر را به او نمی‌دهد. از آنجاکه به تصویر کشندگان صحنه‌ی ماجرای
 ماری استوارت خودشان اغلب در یکی از مسیرهای مبارزه‌ی، دین و یا
 جهان‌بینی مشخصی بودند، طبیعی است که شیوه‌ی قضاوت یک‌طرفه‌ی آن‌ها
 نباید ابه‌ی شگفتی ما گردد. اکثر قریب به اتفاق نویسندگان پروتستان مذهب،
 تماماً کاتولیک‌ها به‌قاب الیزابت^۱، ملکه‌ی انگلستان، نشانه رفته است. مورخان
 انگلیسی ماری استوارت را قاتل نامیده‌اند، درحالی‌که نویسندگان اسکاتلندی
 او را قربانی مسلمانی، یک پطنه‌ی مزورانه و رذیلانه می‌دانند. نامه‌های
 به‌دست‌آمده از کشور میزها^۲ که همیشه سؤال‌برانگیزترین اسناد هستند و
 خوراک فکری بحث‌ها را تشکیل می‌دهند به درست و یا نادرست بودن هر
 دو نظریه گواهی می‌دهند. جهت‌گیری محققان حتی در کوچک‌ترین جزئیات
 حوادث نیز به‌وضوح مشهود است. شاید به همین سبب ممکن است یک نفر
 غیر انگلیسی یا غیر اسکاتلندی که هیچ‌یک از این سببی و نسبی با ماری
 استوارت ندارد، موفق به قضاوت بی‌طرفانه بشود و بتواند در مورد این
 تراژدی با همان علاقه و اشتیاق وافر که لازمه‌ی هر محقق است، به
 واقعیت نزدیک‌تر شود. طبیعتاً اگر او ادعا کند که همه‌ی واقعیت را در رابطه
 با شرایط و نحوه‌ی زندگی ماری استوارت می‌داند، مسلماً راجعاً به او
 است. نویسنده‌ی بی‌طرف می‌تواند تنها به حد اکثری از احتمالات دست
 یابد. چه‌بسا هر آن چیزی را که او با دانش، اشراف و وجدان پاک خود عینی
 می‌پندارد، فقط ثمره‌ی ذهنیتش باشد، چون منبع اطلاعات، صاف و زلال

^۱ - Elisabeth

نیست و به همین سبب او سعی خواهد کرد شفافیت و حقیقت مطلوب را از همین آب گل آلود به دست آورد. با توجه به ضد و نقیض بودن گزارش‌ها، وی ناچار خواهد شد برای هر مورد جزئی در این ماجرا بین اسناد تبرئه و یا متهم کننده چیزی انتخاب کند و هرچقدر هم در انتخاب سند دقت و احتیاط به خرج دهد، باوجود این ناخودآگاه عقیده‌ی خود را با قرار دادن علامت سؤال خواننده تحمیل و اعتراف خواهد کرد که این یا آن واقعیت زندگی ماری استوارت به مفهوم حقیقی در سایه‌ی ابهام باقی مانده و چه‌بسا برای همیشه در تاریکی باقی بماند.

در این باره سعی شده وفاداری به اصول حفظ شود. من به هیچ اقرار و شهادتی که تحت شکنجه، فشار و یا بر اثر ترس داده شده، ابدأ ارزشی قائل نشده‌ام. حقیقت‌جو هرگز نباید اسامی اجباری را معتبر بداند. همین‌طور از گزارش‌های جاسوسان و سفرنامه‌ها در آن ایام وظیفه‌ی یک نفر بود) باید به شرط احتیاط استفاده و در اصل هیچ بودن هر سندی شک کرد. اگر نویسندگان در این کتاب به اصالت سروده‌ها، اشعار و اغلب نامه‌های محرمانه معتقد است، صرفاً به خاطر تحقیق و تفحص است که مؤلف به عمل آورده و خود به این باور رسیده است. من هر بار که در بررسی اسناد بایگانی شده با تناقض روبرو شده‌ام، کوشیده‌ام منشأ و انگیزه‌ی سیاست آن‌ها را بررسی کنم و اگر هم تصمیم‌گیری درباره‌ی موضوعی اجتناب‌ناپذیر بود، ملاک قضاوت را بررسی روان‌شناسانه‌ی فرد موردنظر و میزان تطبیق رفتار و گفتار او قرار داده‌ام.

شخصیت ماری استوارت بالنفسه چندان اسرارآمیز و پیچیده نیست، ولی با توجه به تحولات ظاهری روند مشخصی ندارد، گرچه در باطن امر از ابتدا تا انتها شفاف است و در یک مسیر مشخص پیش می‌رود. ماری استوارت جزو زنان نادری است که زندگی را در یک دوره‌ی بسیار کوتاه ولی پرثمر

تجربه کرده است. این دوره‌ی پر بار، حیاتی است که شکوفه‌های آن پژمرده نمی‌شوند، بلکه در محیطی سرشار از عشق و اشتیاق رشد بیشتری نیز پیدا می‌کنند. احساسات او تا بیست و سه سالگی معقول و عادی است و حتی در بیست و پنج سالگی هم تغییر چندانی نیافته است. اما در یک فاصله‌ی دو ساله آتش‌فشانی از جلال و عظمت فوران می‌کند. در این فاصله‌ی کوتاه سرنوشت عادی و طبیعی او ناگهان ابعاد تراژدی‌های عهد باستان را به خود می‌گیرد و چون قله‌ی اورست در جایگاهی رفیع و بالابست می‌ایستد.

www.ketab.ir